

کلیسای عزیز،

"شادی - تشویق!"

چقدر آسان است که در بهار به لذت بیداری طبیعت بیونددیم. تجدید حیات طبیعت در زمان عید رستاخیز خداوند شروع می شود. نماد شگفت انگیز رستاخیز مسیح: خلقت و زندگی جدید.

متن خطبه امروز از خلقت نیک می گوید در آغاز ستایش خداوندی که جهان را آفرید و یهودیان و مسیحیان با هم خوانده می شوند برای دریافت يك خلقت جدید و باهم منتظر هستیم، جایی که درد و رنج این دنیا وجود ندارد. از کتاب مقدس کتاب اول موسی یا پیدایش فصل 1 و 2، آیاتی را انتخاب کردم و می خوانیم:

«در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. زمین بی شکل و خالی بود، تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. خدا گفت: «روشنایی باشد»، و روشنایی شد. خدا دید که روشنایی نیکوست، و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد.» پیدایش 1:4-1:

«آنگاه خدا گفت:

«انسان را به صورت خود و شبیه خودمان بسازیم، و او بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر چارپایان و بر همه زمی ن و همه خزندگانی که بر زمین می خزند، فرمان براند.» پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، او را به صورت خدا آفرید؛ ایشان را مرد و زن آفرید.»

«خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و بر هر جانداري که بر زمین حرکت می کند، فرمان برانید.» آنگاه خدا گفت: «اینک همه گیاهان دانه دار را که بر روی تمامی زمین است و همه درختان دارای میوه دانه دار را به شما بخشیدم تا خوراک شما باشد. و به همه وحوش زمین و همه پرندگان آسمان و همه خزندگان روی زمین که جان در خود دارند، همه گیاهان سبز را برای خوردن بخشیدم.» و چنین شد. و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم.»

پیدایش 1:26-31

ای پدر آسمانی تو خالق همه چیز هستی. ذهن ها و قلب های ما را رو باز کن برای همه چیزهایی که می خواهید به ما بگویند.

بر گفتار و شنیدن ما برکت بده.

ما این را می خواهیم، پدر، از طریق عیسی مسیح، در روح القدس. آمین

" - "(e)reeschit baaraa (ä)loohim در آغاز خدا آفرید -

اولین آیه کتاب مقدس اینگونه آغاز می شود.

این شروع چیست؟

ترجمه از زبان عبری به این راحتی نیست!

کلمه "در" به آلمانی "am" می شود.

بنابراین در آغاز بسیار خاص، دقیقاً تعریف شده،

"(e)b این پیشوند عبری قبل از - reeschit شروع می شود به معنی "در" هست ...

و کاملاً مشخص نیست که "در" یا در آغاز به چه معناست.

یورگن اباخ در مطالعه خود می نویسد: «کتاب مقدس با "be شروع می شود:

"یک چیز مسلم است: این آغاز به معنی يك شروع مطلق نیست به نظر می رسد درباره آغاز صحبت می کند که قبل آن هیچ چیز وجود نداشته و در آغاز بوده که عملی انجام شده .

در سنت یهود برای استاد (رابی) پاسخی وجود دارد در میدراش "Midrash" که مجموعه ای از تفاسیر کتاب مقدس که در قرن اول و دوم به زبان عبری نوشته شده است.

رابی یونس از طرف رابی لاوی چنین می گوید :

چرا جهان با "be" یعنی " در " ساخته شده است؟

و او پاسخ داد همانطور که تخت از طرفین بسته و از جلو باز است، بنابراین ما مجاز به جستجوی آنچه بالا و پایین است، آنچه در جلو و آنچه در پشت است نیستیم چون چیزی از قبل آن نمی دانیم .

شما ممکن است از روزی که روزها ساخته شده است، پرسید، اما نمی توانید از آنچه قبلاً آمده است بدانید .

و دیتیریش بونهوفر در تفسیر خود توضیح می دهد

"آفرینش و سقوط":

وقتی از لوتر پرسیده شد که خدا قبل از خلقت چیست؟ یا دنیا را چگونه ساخت

و او پاسخ داد به افرادی که همچین سوالات بیهوده می پرسند که هیچ سوال احتمالی وجود ندارد که بتوان به پشت سر این خدایی که در ابتدا خلق کرده است بازگردد.

بنابراین هیچ سوالی در مورد چراییه خلقت وجود ندارد

خلقت، بر اساس نقشه جهانی خداوند بوجود آمد ...».

در آغاز خداوند آسمان و زمین را آفرید.

اگر باور کنم فرق می کند اینکه یک خدا وجود دارد که تمام جهان را ساخته است، یا اینکه من انسان در دام همه

نظریه ها و گاهی اوقات ایده های کاملاً خام بیفتم که من در منشاء یا نقشه خلقت جهان هستم.

این تفاوت بزرگی ایجاد می کند، به خصوص در تمام بحران هایی که در حال حاضر جهان را تکان می دهد.

چه تغییرات آب و هوایی، همهگیری یا جنگ، یا بحران های بسیار شخصی - از دست دادن شغل، از دست دادن خانه،

عزیزان

اگر من انسان بود که عامل خلقت بود تنها فرار ممکن بود از این بحرانها .

اما داستان خدایی که همه چیز را آفرید همیشه جهان بینی من را تنظیم می کند.

همه چیز ساخته دست بشر نیست و من مجبور نیستم برای همه چیز احساس مسئولیت کنم.

ترس و درماندگی لازم نیست مرا فلج کند.

ارتباط بین خلقت و رهاییه من از مشکلات نیز خواهد بود و این مرا خوشحال می کند .

به وضوح در قسمتی از کتاب اشعیا که متن خطاب به اسرائیل و همچنین ما مردم هست این موضوع را باز می کند :

«یهوه خدا که آسمانها را آفرید و آنها را گسترانید، او که زمین و ثمرات آن را وسعت می بخشد، و نَفَس را به مردمانی

که بر آند و روح را به کسانی که بر آن سالکند ارزانی می دارد، چنین می فرماید: «من، یهوه، تو را به جهت برقراری

عدالت خوانده ام؛ من دست تو را خواهم گرفت و تو را حفظ خواهم کرد؛ من تو را عهدی برای قوم و نوری برای ملتها

خواهم ساخت؛»

(اشعیا ۶ - ۴۲:۵)

این یهوه خداوند است،

که همه چیز را آفرید - این بیانیه اصلی در ابتدای کتاب مقدس عبری است.

تقریباً مهمتر اینکه : او همه چیز را نیکو انجام داد!

خداوند در اول پیدایش برای خلقتش هفت بار می گوید: خدا دید که چه نیکوس بود.

در نهایت حتی: خدا دید خلقتش بسیار نیکو بود.

این آیات چگونه آن را با آنچه مردم هر روز تجربه می کنند مطابقت دارد؟
زلزله، سونامی، فوران های آتشفشانی؟
این قطعاً توسط انسان ایجاد نمی شود.
اما همیشه پدیده های آب و هوایی زیادی وجود داشته است - خشکسالی، طوفان، طوفان برف، باران مداوم که منجر به سیل می شود، دوره های سرمای شدید یا گرما...
آب و هوا روی زمین ما چندین بار تغییر کرده است - به عنوان مثال عصر یخبندان.
چگونه این با بیماری های مادرزادی مطابقت دارد،
با معلولیت، پیری و مرگ؟

جای تعجب نیست که برخی فکر می کنند آفرینش هنوز تحت یک نفرین ایستاده است.
دنیا بد، کتیف و بدبختتر خواهد شد.
این افکار به عنوان الهیات یا عرفان بحث برانگیز
تکرار شونده، توسط اول پیدایش تورات دفع می شوند.
آغاز کتاب مقدس با حرف « be » این گونه توضیح داده شده است: « be مخفف «پراخا» - Berakhah که به
معنای برکت است!
همه خلقت تحت برکت خداوند آفریده شد .
ولی!
اما پس چرا همه چیز به همین شکل است؟
چرا باید بی اختیار با همه بلاها تماشا کنم
چه کسی این تلویزیون را با تصاویر زشت رایگان به خانه من تحویل می دهد؟
چرا من هر روز در محیط خود تجربه می کنم که چگونه بیماری ها، ناتوانی ها و کهولت سن مردم را در مانده،
ناراضی و مستاصل می کند؟
من جواب را نمی دانم.
من فقط می توانم به پولس بچسبم که مطمئناً کتاب مقدس را بسیار بهتر از من می دانست و با این وجود در نامه اول به
قرنتیان این طور می نویسد :

«زیرا شناخت ما جزئی است و نبوتمان نیز جزئی؛ اما چون کامل آید، جزئی از میان خواهد رفت. آنچه اکنون
می بینیم، چون تصویری محو است در آینه؛ اما زمانی خواهد رسید که روبهرو خواهیم دید. اکنون شناخت من جزئی
است؛ اما زمانی فرا خواهد رسید که به کمال خواهم شناخت، چنانکه به کمال نیز شناخته شده ام.»
13قرنتیان

آرامشی که این کلام برای من دارد به من هدف را تا انتها نشان می دهد،
هدف:

اما وقتی کامل می آید، جزیی از بین می روند.
این احتمالاً به این معنی است که: هیچ پاسخ قطعی برای همه سوالات مهم در این زندگی وجود ندارد.
اما از عید رستاخیز خداوند امید زیادی بوجود می آید ، وعده اینکه این زندگی همه چیز نیست
زندگی جدیدی وجود دارد که بر خلاف هر چیزی که برای انسان قابل تصور است، وجود دارد.
شاید پس از آن سوالات من دیگر مهم نیست.
آنچه مسلم است محدودیت های باریک در فکر من دیگر نخواهد بود.

با این وجود، زندگی اینجا و اکنون باید زندگی شود.
خدا مرا آفرید همانطور که همه موجودات زنده اطراف من را آفرید.
این یکی از اصلی ترین عبارات اصلی این بخش اول از کتاب مقدس است: زن و مرد، برابر،
به صورت خود خدا آفریده شده است.
درک این تشبیه دشوار است -
معنا در ارزش، کرامت انسان نهفته است،

همانطور که مزمور 8 روشن می کند:

به سختی از خدا پایین تر -
انسان را اینگونه آفریدی
او را با تاج می آرایید -
پس به او عزت و جلال می دهید.
کارهای دستانت را به او سپردی.
این نیز روشن تر می کند که تکلیف انسان در این زندگی چیست: تصرف و فرمانروایی بر زمین که غالباً اشتباه گرفته می شود در واقع به این معناست:
از تمام خلاقیت ها و توانایی هایی که خداوند به من عطا کرده است برای جهان، زمین، موجودات زنده استفاده کنم.
مردم اطراف من - فقط همه کارهای خدا هستند .
چیزی شبیه مباشر .
دستورات خدا به عنوان دستورالعمل به یهودیان در تور سینا داده شد.

آرزوی بزرگ - عدالت برای همه-

آرزوی خدا برای ما؟

مثمر ثمر باشید و زیاد شوید! -

تفسیر کردن این است:

تورات را برای دیگران بفرستید تا بیشتر شوند که آنها هم تحت برکت خداوند قرار گیرند و اراده او را انجام دهند!
اما برای برای مسیحیان، عیسی "کلمه" است -

به عیسی بنگرید، او را دنبال کنید و همراه با آن اراده خدا را انجام دهید - من دیگر نیازی به ناامیدی و درماندگی در مواجهه با مشکلات طاقت فرسا ندارم!

تأمل در خلقت به طبقه بندی دنیای خود با تمام مشکلاتش کمک می کند. در پایان متنی از دنیس لورتوف از کتاب دعای «میشکان هانفش» مربوط به جوامع یهودی اصلاح طلب در آمریکا را می خوانیم:
"معجزه در آغاز!

روزها می گذرند که راز را فراموش کنم.

مشکلاتی که حل نشدنی هستند و مشکلاتی که راه حل های آنها آشکار است اما نادیده گرفته می شود.

آنها خود را به زور در توجه من جا می دهند و همراه با انبوهی از حواس پرتی ها از لباس های رنگارنگ و کلاه های زنگوله دار دقلکی در ذهن من جمع می شوند.

و سپس راز آرام دوباره برای من آشکار می شود!

غوغای جمعیت فرو می کشد. این راز که اصلاً چیزی وجود دارد؟

کیهان، شادی، خاطره، همه اینها جای پوچی را می گیرند .

و این که تو ای خداوند، خالق، قدوس

هنوز ساعت به ساعت همه چیز را در دست خود داری."

آمین!!